

قسمت شانزدهم

فعالیت حزب توده

در شهرستانها

فصل اول

تشکیلات حزب توده در شهرستانها

اولین فعالیت کمونیستها در شهرستانها پس از آغاز فعالیت‌های منظم دسته ۵۳ نفری بخصوص در شهرهای اصفهان و آبادان بشکل خیلی ضعیفی شروع گردید. اما پس از آنکه در سال ۱۳۱۶ فعالیت این گروه بر مقامات انتظامی کشف و افراد و اعضا آن دستگیر و زندانی شدند و بفعالیت این شبکه کمونیستی نیز خاتمه داده شد هسته‌های کوچک و ضعیف موجود در شهرستانهای اصفهان و آبادان نیز متلاشی و پراکنده شدند. با پیش آمد شهر یورماه ۱۳۲۰ و اشغال ایران از طرف قوای خارجی و رهائی زندانیان بموجب عفو عمومی، افراد کمونیست با استفاده از آزاد شدن و محیط مساعدی که ایجاد شده بود فعالیت‌های خود را مجدداً آغاز نمودند.

پس از تشکیل حزب توده و آغاز فعالیت در تهران تأسیس شبکه‌های حزبی در شهرستانها نیز مورد توجه گردانندگان حزب قرار گرفت و از همان آغاز فعالیت شروع بتأسیس و توسعه تشکیلات شهرستانها کردند در این سالها قسمت اعظم این فعالیتها در مناطقی که تحت اشغال قوای شوروی بود صورت میگرفت زیرا با اتکاء باقامت ارتش بیگانه در این نواحی بیش از پیش بر نفوذ حزب توده افزوده میشد و چون در اثر اقامت ارتش بیگانه نیروهای دولتی قادر بفعالیت آزاد و جلوگیری از اعمال متخرب دار و دسته حزب توده نبودند بهمین مناسبت وابستگان و هواداران این حزب بدون هیچگونه ترس و واهمه‌ای بهمه گونه خرابکاری و اخلال نظم دست میزدند و از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا و امتناعی نداشتند.

از نواحی شمال که تحت اشغال قوای بیگانه بود بگذریم در سایر مناطق و شهرستانها در سالهای اول تأسیس حزب بندرت از فعالیت و تشکیلات توده‌ای خبری بود فقط شهر اصفهان را میتوان از موارد استثنائی دانست زیرا در آنجا از همان سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ فعالیت‌های توده‌ای بدست تقی فداکار و علی شمیمه آغاز شده بود.

در جریان سالهای ۲۱ و ۱۳۲۲ کمیته‌های حزبی در اغلب شهرهای آذربایجان نظیر تبریز - اردبیل - رضائیه - مراغه - میاندوآب - زنجان و غیره تشکیل و شروع به فعالیت نموده و در رشت و بندرپهلوی و سایر مناطق گیلان نیز مقارن همان اوقات فعالیت عناصر توده‌ای گسترش یافت و کمیته‌های حزبی در زمینه‌های مختلف در آن مناطق به فعالیت پرداختند.

درمازندران بخصوص مناطق کارگری نظیر شاهی - چالوس - بهشهر - زیرآب و غیره نیز خیلی زود فعالیت توده‌ایها آغاز گردید و کار واحدهای صنعتی عمده این نقاط بر اثر همین فعالیت‌ها دچار رکود و اخلاق گردید.

مسئول امور تشکیلاتی حزب در این دوره عبدالصمد کامبخش بود که تا سال ۱۳۲۵ که تحت تعقیب قرار گرفت و بخارج از کشور متواری گردید این سمت را در کمیته مرکزی حزب دارا بود. نامبرده برای تأسیس شعب حزب در شهرستانها افرادی را که سابقه کار و زندگی در نقاط معین داشتند به آن نواحی میفرستادند و یا کسانی را که در شهرهای مختلف سابقه فعالیت سیاسی چپ و یا تمایلات کمونیستی داشتند به تهران فرامیخواند و آنانرا به همکاری با حزب جدید التأسیس توده دعوت میکرد.

در سالهای ۲۱ - ۱۳۲۲ صرفنظر از نواحی شمالی کشور در سایر مناطق بندرت توده‌ایها فعالیت میکردند در گیلان نیز که فعالیت کمونیستی سابقه طولانی داشت فعالیت حزب توده خیلی زود شروع گردید و علاوه بر رشت به نقاط و شهرستانهای تابعه آن استان مانند پهلوی - لاهیجان - طوالش و قومنا و غیره نیز سرایت کرد. با وجود این توده‌ایها در این دوره در زمینه گسترش و توسعه تشکیلات خود

و جلب افکار عمومی مردم نتوانستند گام بزرگی بجاو بردارند و در همه جا فقط قشر ضعیف و کوچکی از طبقات مختلف با آنها تماس داشتند و به گفته‌ها و اعمال آنان بنظر خریداری می‌نگریستند.

پس از انتخابات دوره چهاردهم که ضمن آن ۱۰ نفر از اعضاء و وابستگان حزب توده بمجلس شورا راه یافتند بر فعالیت کمونیستها در همه زمینه‌ها منجمله در قسمت توسعه و تقویت شعب حزب در شهرستانها بمراتب افزوده شد. فعالیت و تبلیغات پر هیاهوی و کلای توده‌ای در پارلمان که عده زیادی را مرعوب و مجذوب ساخته بود در حقیقت راه را برای گسترش تشکیلات حزب توده در اقصی نقاط کشور هموار ساخت.

تشکیل اولین کنگره حزب توده در تابستان ۱۳۲۳ نیز عامل جدیدی برای تقویت و توسعه سازمانهای این حزب گردید. دستگاه رهبری جدید که منتخب کنگره بود نه تنها به فعالیت‌های تبلیغاتی و تشکیلاتی حزب در تهران سر و صورت بیشتری داد بلکه به شهرستانها نیز توجه قابل ملاحظه‌ای کرد و وعده‌ای از فعالین و کادرهای حزبی را بنقاط مختلف کشور اعزام داشت از آنجمله محمود بقراطی، امان‌اله قریشی و مرتضی راوندی باصفهان و محمد علی شریفی بدرشت احمد قاسمی به گرگان احسان طبری به مازندران علی متقی به شیراز عبدالحسین نوشین و حسین ملک به مشهد و اکبر شهابی به شاهی اعزام شدند.

با اعزام کادرهای نامبرده به شهرستانها وضع تشکیلاتی آن نقاط منظم شد. فعالیت‌های حزبی در زمینه‌های گوناگون و در میان گروههای مختلف اجتماعی توسعه یافت و بالنتیجه نفوذ و اهمیت سازمانهای حزب توده در شهرستانها که دیگر محدود به نواحی شمالی کشور نبود روبه توسعه نهاد. در حقیقت فعالیت‌های پارلمانی فراکسیون حزب توده که همیشه با جنجال تبلیغاتی فراوان توأم بود و در سخنرانیهای خود مقامات و دستگاههای دولتی را بدون رعایت حد و مرزی مورد شدیدترین حملات و انتقادات قرار میدادند راه را برای پیشرفت نظریات و مقاصد توده‌ای هموار

میکرد مخصوصاً که مأموران دولتی جز در موارد استثنائی قادر بجلو گیری از اقدامات و تبلیغات حزب نبودند و یا شدت عمل را در این مورد مجاز و مصلحت نمیدانستند.

در سال ۱۳۲۴ با پیش آمدن غائله آذربایجان و تسلط دسته‌ای از کمونیست‌ها بنام فرقه دموکرات در آذربایجان و کردستان وضع بی‌ثبات و غیر آرام کشور بیش از پیش آشفتہ شد. حزب توده طبعاً از این فرصت نیز استفاده کرد و بردامنه فعالیت خود در همه زمینہ‌ها و در کلیه نقاط کشور افزود. در سال ۱۳۲۵ قوام السلطنه کابینه جدید خود را با شرکت و وزرای توده‌ای تشکیل داد و رسماً قسمتی از دستگاه‌های دولتی در اختیار حزب توده و عمال آنها قرار گرفت. کمونیست‌ها که خود را برای تصرف کامل دستگاه حکومتی آماده میکردند موحی از تظاهرات و اعتصابات در سراسر کشور بر راه انداختند و همراه و همگام با دار و دسته پیشه‌وری دستگاه‌های دولتی و مؤسسات اقتصادی را در همه جا از کار و فعالیت بازداشتند.

اعتصاب سال ۱۳۲۵ خوزستان

از وقایع جالب و بزرگ این دوره اعتصاب و حوادث خونین خوزستان است حزب توده و شورای متحده از سال ۱۳۲۴ در استان خوزستان که یکی از مراکز بزرگ کارگری ایران است شروع بفعالیت کردند تشکیلات حزبی و شورائی خوزستان را در این دوره مهدی هاشم نجفی و علی امید رهبری میکردند.

از اوائل سال ۱۳۲۵ که ظاهراً حوادث و وقایع کشور بسود کمونیست‌ها جریان داشت فعالیت عناصر توده‌ای در خوزستان نیز شدت یافت بطوریکه موفق شدند عده زیادی از کارگران مناطق نفت خیز را تحت تأثیر تبلیغات و شعارهای خود قرار دهند و بازار میتینگ و تظاهرات و اعتصاب را در آن نواحی گرم سازند.

در برابر حزب توده در خوزستان حزب سعادت و اتحادیه عشایر قرار داشت که بشدت با کمونیست‌ها مخالف بودند و از بدو تأسیس و فعالیت خود مبارزه با حزب توده را آغاز نمودند.

اتحادیه عشایر نیز مانند توده‌ایها در آبادان برای خود کلوپ دائر کرده و با نصب بلندگو و ایراد سخنرانیهای تبلیغاتی مردم را به مخالفت و مبارزه با توده‌ایها دعوت و تشویق میکرد. مقارن همین اوقات حزب توده و شورای متحده بعنوان افزایش دستمزدها کارگران در تمام مناطق نفت خیز جنوب اعتصاب برآه انداختند و دستگاههای استخراج و تصفیه را تماماً دچار تعطیل نمودند.

در جریان همین اعتصاب که توأم با تظاهرات خیابانی بود بین کارگران وابسته بحزب توده و شورای متحده از یکطرف و اعضاء حزب سعادت و اتحادیه عشایر از طرف دیگر تصادفات شدیدی روی داد که منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای گردید و بدنبال آن چنان محیط عصیان آمیزی در خوزستان ایجاد شد که ممکن بود سراسر خوزستان و تأسیسات نفت جنوب در آتش آن بسوزد.

دولت قوام السلطنه برای فرونشاندن آشوب فوراً دست بکار شد و هیئت مختلطی مرکب از نمایندگان دولت و حزب توده را به آبادان اعزام داشت.

این هیئت که از مظفر فیروز معاون قوام السلطنه نخست وزیر و دکتر حسین جودت و دکتر رضا رادمنش و چند تن دیگر تشکیل شده بود موفق شد با اجابت بعضی از مطالبات کارگران به اعتصاب آنها خاتمه دهد و نظم و آرامش را در منطقه خوزستان مجدداً برقرار کند. در این دوره بطور کلی بنا بعملی که قبلاً ذکر شد حالت اضطراب و عصیان بر سراسر مملکت مسلط بود منتها در هر جا حزب توده تشکیلات قویتر و وسیعتری داشت ناراحتی و نافرمانی بیشتر بچشم میخورد.

در سال ۱۳۲۵ علاوه بر خوزستان در سایر مناطق کارگری مخصوصاً در اصفهان و مازندران و حتی نقاط و شهرهای غیر کارگری مانند کرمان و شیراز و بوشهر و سمنان و رشت نیز بطور مکرر اعتصابات روی داد و در همه جا حزب توده و شورای متحده محرک و مشوق این جار و جنجالها و تشنجات بودند.

بموازات اقدامات مسلحانه فرقه دموکرات در آذربایجان، حزب توده نیز در بعضی از نقاط مخصوصاً در مازندران خود را برای اینگونه عملیات آماده میکرد. در

شاهی وزیر آب و بهشهر از طرف رهبران حزب توده و شورای متحده عده‌ای از کارگران مسلح شده نظم عمومی را برهم زده بودند و هدف این بود که در فرصت مناسب همراه با تدارکات مشابهی که در گیلان و ترکمن صحرا دیده شده بود ایالات ساحلی بحر خزر نیز مانند آذربایجان و کردستان علناً تحت تسلط کمونیست‌ها در آید و سپس با وارد آوردن فشار بیشتر به حکومت مرکزی آنرا ساقط کنند. و رژیم دموکراتیک توده‌ای را بر سراسر ایران بسط دهند. ولی با سقوط سریع حکومت پیشه‌وری در آذربایجان این فرصت بدست آنها نیفتاد و دستجات مسلح توده‌ای در مازندران نیز با اقدامات سریع حکومت مرکزی متواری و خلع سلاح شدند و دوران بی‌نظمی و آشوب در مازندران نیز پایان یافت.

کمیته مرکزی حزب توده برای آنکه در مورد اقدامات مسلحانه مازندران از خود سلب مسئولیت نماید. بعد از ختم‌غائله آذربایجان کمیته‌های حزبی در شهرهای مازندران مخصوصاً مراکز کارگری آن ناحیه را مانند چالوس، بهشهر، زیرآب، پل سفید و غیره منحل کرد و مسئولان محلی آن کمیته‌ها را بخود سری و بی‌انضباطی متهم نمود.

سقوط حکومت پیشه‌وری در آذربایجان و ضربه شدیدی که از این راه به تشکیلات حزب توده وارد آمد وضع سازمانهای حزبی را در همه شهرستانها دچار تزلزل و هرج و مرج نمود. در اکثر نقاط ایران شعب و کمیته‌های حزبی کارها را تعطیل کردند و از فعالیت کناره جستند. در نقاط معدودی هم که کمیته‌های حزبی بوجودیت خود ادامه میدادند در اطراف آنها جز عده معدودی باقی نماندند و تازه وضع تشکیلاتی این عده قلیل هم سر و صورتی نداشت و اصولاً در همه جا افراد توده‌ای روحیه خود را باخته و بر اثر شدت ضربات وارده دچار سرگیجه و بهت شده بودند.

در حقیقت در سال ۱۳۲۶ که حزب توده در مرکز دچار اختلافات داخلی و تزلزل بود و بالاخره منجر به انشعاب گروه خلیل ملکی از حزب گردید هیچگونه فعالیت و جنب و جوشی از طرف حزب در شهرستانها دیده نمیشد.

بعد از انشعاب که محیط آرامتری در حزب بوجود آمد، کمیته مرکزی حزب توده برای سر و صورت دادن بوضع حزب مقدمات کنگره دوم را فراهم ساخت. کنگره مزبور در اوایل سال ۱۳۲۷ در تهران تشکیل شد. دستگاه رهبری جدید حزب که منتخب کنگره بود ماههای اول فعالیت خود را بیشتر صرف تقویت سازمانهای مرکزی حزب نمود و کمتر به شهرستانها پرداخت. در دستگاه رهبری جدید حزب توده مسئولیت تشکیلات کل به دکتر کیانوری واگذار گردید و چون پس از غائله آذربایجان ارتباط حزب با اکثریت شهرستانها از هم گسیخته و سازمانهای حزبی آن نقاط اصولاً از هم متلاشی شده بود، فعالیت کمیته مرکزی و تشکیلات کل جدید در زمینه شهرستانها بیشتر باین منظور بود که این ارتباطات قطع شده را مجدداً برقرار کند و یا اصولاً در بعضی از شهرستانها تشکیلات نوین حزبی پایه گذاری نماید باین جهت در این دوره کار قابل ملاحظه‌ای در شهرستانها صورت نگرفت.

فصل دوم

تشکیلات حزب توده در شهرستانها

بعد از واقعه پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷

حادثه پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷ که منجر بانحلال و غیر قانونی شدن حزب توده شد فعالیت ضعیفی را که پس از کنگره دوم در شهرستانها صورت گرفته بود نیز متوقف ساخت و اصولاً ضربت جدیدی بر پیکر حزب توده در مرکز و شهرستانها وارد کرد زیرا بدنبال این حادثه کلیه مسئولین حزبی در تهران و شهرستانها مورد پیگرد مقامات انتظامی واقع گشتند و بفاصله یکی دو ماه اکثریت هیئت اجرائیه کمیته مرکزی وعده زیادی از مسئولین و کادرهای حزبی در سراسر کشور دستگیر و زندانی شدند .

چون همه اعضاء هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده غیر از دو نفر (دکتر بهرامی - دکتر فروتن) زندانی و یا متواری شده بودند .

برای اداره امور حزبی يك هیئت اجرائیه موقت پنج نفری مرکب از کادرهای زیر تشکیل گردید :

۱ - دکتر محمد بهرامی ۲ - دکتر غلامحسین فروتن

۳ - مهندس نادر شرمینی ۴ - امان الله قریشی ۵ - علی متقی .

در این هیئت مسئولیت تشکیلات شهرستانها به علی متقی واگذار شد نامبرده با يك گروه سه نفری مرکب از :

کاظم ثقفی - مهندس حسین نظری و منوچهر هوشمند راد که کمیسیون تشکیلات شهرستانها را تشکیل میدادند کار میکرد. شهرستانهای مختلف کشور میان سه نفر فوق الذکر تقسیم شده بود و هر کدام از آنها با چند نفر که هر یک مسئول ارتباط با یک شهرستان معین بودند تماس داشتند و کارهای تشکیلاتی مربوط به آن شهرستان را انجام میدادند.

چون بعد از واقعه پانزدهم بهمن و غیر قانونی شدن حزب، سازمانهای حزبی شهرستانها نیز متلاشی و ارتباطشان با مرکز قطع شده بود کمیسیون شهرستانها در آغاز کار کوشش داشت که از طریق بعضی افراد حزبی شهرستانی که در تهران بودند با نقاط مزبور تماس بگیرد و سپس بتدریج بر دامنه فعالیت حزب در آن مناطق بیفزاید بالاخره پس از مدتی تلاش با بعضی از استانها نظیر:

مازندران - گیلان - خراسان - اصفهان - کرمانشاه - سمنان - فارس - خوزستان و عدهای از نقاط مرکزی کشور ارتباط منظم حزبی برقرار شد. کادر تشکیلات و کادرهای زیر دست آنها مرتباً به شهرستانهای ابوابجمعی خود مسافرت مینمودند و اصول کار مخفی و ترتیب شبکه بندی افراد حزبی را که در تهران آموخته بودند به مسئولین محلی یاد میدادند.

پس از انتشار روزنامه مخفی مردم برای ارسال آن به شهرستانها نیز ترتیبات خاصی داده شد. چون نمیشد بستههای روزنامه و سایر نشریات حزبی را با پست فرستاد لذا عدهای از اعضای حزب بوسیله کمیته ایالتی تهران در اختیار کمیسیون تشکیلات شهرستانها قرار داده شد تا بستههای مطبوعاتی و نامه‌های حزبی را به نقاط مختلف کشور برسانند.

این افراد را پیک می نامیدند.

محمولات حزبی بصورتهای گوناگون بطوریکه حقی المقدور جلب نظر مأمورین انتظامی را نکنند از طرف کمیسیون تشکیلات بسته بندی میشد و در اختیار پیکها قرار میگرفت همین پیکها معمولاً در مراجعت از شهرستانها گزارشات و نامه های کمیته‌های محلی را با خود به تهران می آوردند.

مجموعه این اقدامات باعث شد که پس از گذشت یکسال در اکثر شهرستانها و نقاطی که حزب توده در گذشته سابقه فعالیت داشت مجدداً سازمان حزبی احیا گردد و با برقراری ارتباط و تماس منظم با تهران فعالیت و تشکیلات آنها بتدریج توسعه یابد.

تشکیلات شهرستانها بعد از فرار سران

حزب توده از زندان

در اواخر سال ۱۳۲۹ اکثریت اعضای هیئت اجراییه حزب توده که زندانی بودند بایک توطئه قبلی و نقشه ماهرانه که توسط سازمان نظامی حزب مزبور ترتیب داده شده بود از زندان فرار کردند . و پس از اندک مدتی کارها را از هیئت اجراییه موقت تحویل گرفته شروع بکار نمودند .

در هیئت اجراییه جدید مسئولیت امور شهرستانها به احمد قاسمی واگذار شده بود اعضای این کمیسیون عبارت بودند از:

علی متقی کاظم ثقفی مهندس حسین نظری منوچهر هوشمندراد و بهزاد بهزادی . پس از انتقال علی متقی به سازمان جوانان مهندس شرمینی جای نامبرده را در کمیسیون تشکیلات شهرستانها گرفت .

طرز کار کمیسیون جدید تشکیلات تقریباً بر روال سابق بود باین معنی که امور ارتباط شهرستانها و استانهای مختلف بین اعضای تکمیل تقسیم شده بود و هر یک از آنها توسط چند کمک و بوسیله پیکها و آدرسها باشهرستانهای مربوطه تماس داشتند این افراد موظف بودند گزارشات لازم را از شهرستانها اخذ کنند . مجموعه این گزارشها در جلسه کمیسیون تشکیلات مطرح میشد و روی هر مورد پس از بحث کافی تصمیم لازم اتخاذ و بمحل ابلاغ میگردد.

از اقدامات تشکیلاتی حزب در این دوره اعزام تعداد بیشتری از کادرها و مسئولین حزبی به شهرستانها و تقویت سازمانهای حزبی این مناطق بود.

عدهای از این کادرها عبارت بودند از:

رحمت‌اله جزئی و منوچهر بهزادی (خوزستان) مهندس حشمت‌اله منصف و اکبر محجوبیان (اصفهان) مهندس جمشید دارائی (اراک) مهندس کاظم مشیری (زشت) صدری (بندرپهلوی) مهندس غلامعلی سیف (مازندران).

در اواخر سال ۱۳۲۱ که احمد قاسمی، محمود بقراطی و دکتر فروتن برای شرکت در کنگره نوزدهم حزب کمونیست روسیه از ایران خارج شدند. مهندس علی علوی بجای احمد قاسمی مسئولیت کمیسیون تشکیلات شهرستانها را بعهده گرفت و بتدریج بنا بر سلیقه خاص خود که در جناح مقابل احمد قاسمی بود در ترکیب کمیسیون تشکیلات شهرستانها تغییرات فراوان داد و کثراعضاء قبلی را به شهرستانهای مختلف اعزام داشت. از آنجمله مهندس حسین نظری باصفهان فرستاده شد. منوچهر هوشمندراد به مازندران و سپس به کرمانشاه اعزام گردید. بهزاد بهزادی به آذربایجان رفت کاظم تقفی به اروپا مسافرت کرد و جهانگیر افکاری نیز که مدتی بعصویت کمیسیون تشکیلات شهرستانها در آمده بود باصفهان اعزام گردید.

ترکیب جدید کمیسیون تشکیلات شهرستانها (تکش) در سال ۱۳۳۲ که هنوز مسئولیت آن بعهده مهندس علی علوی بود عبارت بود از:

مهندس نادر شرمینی آقا فخر میرمضانی شاهرخ مسکوب یعقوب یعقوب‌زادگان ابوالفضل فرهی بعداً نیز علی متقی باین گروه اضافه شد.

در دوران حکومت دکتر مصدق که محیط ایران برای فعالیت توده‌ایها مساعد شده بود. سازمانهای حزبی در شهرستانها نیز مانند تهران رو به توسعه نهاد آنها موفق شدند با استفاده از تبلیغات شدید و مطبوعات فراوان و سازمانهای گوناگون علنی عده زیادتری از مردم مخصوصاً کارگران را دور خود جمع کنند و بصورت عامل مؤثری در جریانات مختلف محلی و کشوری مداخله و عرض اندام نمایند در این دوره از

طرف سازمانهای حزبی و سندیکائی در شهرهای مختلفه کشور تظاهرات و اعتصابات مکرر راه انداخته شد و باینوسیله وضع متشنج و پریهاوی تهران به سایر نقاط مملکت نیز بسط داده شد. در این دوره علاوه بر اعتصاب کارگران نفت خوزستان که قبلاً بطور مشروح درباره آن صحبت شده در شهرها مخصوصاً اصفهان و تبریز و سمنان و کرمان و بعضی نقاط مازندران نیز از طرف عوامل توده‌ای به نارضائی کارگران دامن زده شد و اعتصابات و ناراحتی‌های فراوانی که غالباً منجر به تصادمات خونین می‌گشت بوجود آورده شد.

تشکیلات شهرستانها بعد از قیام ملی

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

این اوضاع ادامه داشت تا آنکه قیام ملی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بحکومت دکتر مصدق پایان داد یکبار دیگر حزب توده در انجام نقشه‌های خود با نا کامی مواجه گشت. بدنبال این شکست بزرگ سازمانهای وسیع مخفی و علنی حزب توده نه تنها در تهران بلکه در سراسر مملکت روبه ضعف و سستی نهادند. افراد اذیرامون کمیته‌ها پراکنده گشتند. مسئولین حزبی که مرعوب و تحت تعقیب بودند از فعالیت بازماندند و یکبار دیگر ارتباط و تماس کمیسیون تشکیلات شهرستانها با سازمانهای حزبی ولایات قطع و یا دچار اختلال و بی‌نظمی گردید.

تشکیلات و سازمانهای گوناگون حزب توده در دوران حکومت دکتر مصدق بسیار وسیع و آسیب پذیر شده بودند بطوریکه با اولین ضربات مقامات انتظامی دچار سردرگمی و هرج و مرج گردیدند، لازم بود کارهای تشکیلاتی و شبکه بندی و سیستم کار مخفی بطور اساسی مورد تجدید نظر واقع شود و سازمان فشرده تری که قابلیت مقاومت و مانور در برابر فشار روزافزون مقامات انتظامی داشته باشد به جود آید و قبل از همه با سیستم کاغذ بازی و لیست سازی و بوروکراسی که سرپای تشکیلات را

فرا گرفته بود مبارزه شود. اینکار هم در تهران و هم در شهرستانها از طرف حزب توده شروع گردید ولی حزب مزبور نتوانست از این تلاشها نتیجه‌ای برای حفظ دستگاه خود بگیرد.

افراد حزبی بر اثر شکستی که در ۲۸ مرداد بحزب وارد آمده بود و اکثر دستگاه رهبری حزب را در این باره مقصر میدانستند چنان دچار یأس و وحشت و بی‌ایمانی شده بودند که اینگونه اقدامات و تدابیر تشکیلاتی نتوانست برای سازمان حزب توده قدرت مقاومت و قابلیت مواجهه با مشکلات و ضربات آتی را فراهم سازد. کشف سازمان نظامی حزب توده در تابستان ۱۳۳۳ و بدنبال آن کشف چاپخانه مرکزی و تعطیل روزنامه مردم و دستگیری عده زیادی از رهبران و فعالین حزب توده توسط مقامات انتظامی هرج و مرج و وحشت بی سابقه‌ای در میان سازمانها و افراد حزبی ایجاد کرد و تقریباً کار همه ارگانهای حزب توده را را کد و فلج نمود بر اثر این جریانات تشکیلات حزب مزبور چه در تهران و چه در شهرستانها بسیار آسیب دید هفته‌ای نمی‌گذشت که چند نفر از مسئولین و فعالین آن دستگیر نشوند و ارتباط قسمتهای بزرگی از تشکیلات با بالا قطع نگردد.

سازمان حزب توده در یکساله بعد از کشف و متلاشی شدن سازمان نظامی هم از نظر کمی و هم از لحاظ کیفی بسیار تحلیل رفت و ضعیف و کوچک شد و بر باقیمانده ناچیز شبکه‌ها و اعضاء حزب روحیه یأس و بی‌اعتمادی و تزلزل تسلط یافت.

در شهرستانها وضع از تهران هم بدتر بود. بطوریکه در سال ۱۳۳۴ تشکیلات کل فقط با چند استان منجمله مازندران اصفهان فارس آذربایجان و کرمانشاه ارتباط ضعیفی داشت. در سایر نقاط مملکت اصولاً سازمانی باقی نمانده بود که با مرکز ارتباط داشته باشد.

کمیسیون تشکیلات شهرستانها (تکش) نیز در حقیقت وجود خارجی نداشت زیرا مهندس شرمینی و میررمضانی دستگیر شده بودند. یعقوب یعقوب زادگان نیز بخارج از کشور فرار کرده بود و ابوالفضل فرهی که پیرمرد علیل و ضعیفی بود از

فعالیت کناره گیری نموده بود. از کمیسیون مزبور فقط مهندس علی علوی که مسئول تشکیلات بود و علی متقی باقیمانده بودند که بوسیله چند رابط با پاره‌ای از شهرستانها در تماس بودند بعضی از این رابطین عبارت بودند از:

پرویز شهریاری (مازندران) منوچهر هوشمندراد (کرمانشاه) مهندس فرج‌اله میزانی (آذربایجان) .

در اواخر سال ۱۳۳۴ با خروج د کتر جووت و د کتر کیانوری از ایران و دستگیری د کتر بهرامی و مهندس علوی در واقع هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده بموجودیت خود خاتمه داد زیرا د کتر یزدی نیز قبلاً دستگیر و زندانی شده بود علی متقی که تنها عضو باقیمانده تکش بود همچنان با رابطین شهرستانها تماس داشت. در اوایل سال ۱۳۳۵ مهندس صادق انصاری برای اداره سازمان حزبی آذربایجان به تبریز رفت. قبل از وی نیز حبیب ثابت به آنجا فرستاده شده بود چندی بعد منوچهر هوشمندراد و بدنبال آن مهندس صادق انصاری و پرویز شهریاری از طرف دستگاههای انتظامی دستگیر گردیدند در اینموقع حبیب ثابت که از تبریز آمده بود عهده دار تشکیلات شهرستانها شد. البته در خلال این احوال وضع سازمانی حزب توده در شهرستانها و ارتباط آنها با مرکز بشکل اسفناکی در آمده بود. در تابستان سال ۱۳۳۶ با گرفتاری حبیب ثابت این تماس و ارتباط ناچیز نیز بکلی از هم گسیخت و تا مدتی طولانی اثری از فعالیت حزب توده در شهرستانها دیده نشد.

فصل سوم

تشکیلات حزب توده در شهرستانها

۱ - گیلان

گیلان نیز به سبب سابقه ممتدی که در فعالیتهای کمونیستی داشت و جزء مناطق اشغالی شوروی در زمان جنگ بود مورد توجه دستگاه رهبری حزب توده بوده است مخصوصاً که در انتخابات دوره‌های چهاردهم دو و کیل توده‌ای یعنی دکتر رضا رادمنش و دکتر فریدون کشاورز از این استان انتخاب شده بودند و طبعاً نسبت به فعالیت‌های حزبی و شورائی این منطقه توجه فراوان مینمودند در دوران علنی بودن حزب توده و قبل از سقوط حکومت پیشه‌وری از طرف کمیته مرکزی این حزب محمد علی شریفی و اکبر شاندرمنی در رشت فعالیت میکردند و بعداً امان‌الله قریشی نیز به آنها پیوست در دوران مخفی ابتدا کاظم مشیری به رشت و صمدی به بندرپهلوی اعزام شدند و سپس در سال ۱۳۳۲ مهندس احمد و کیلی از طرف تکش مأمور فعالیت در گیلان گردید.

۲ - مازندران

فعالیت حزب توده در مازندران که از نواحی اشغالی قشون شوروی در زمان جنگ بود خیلی زود شروع شد و شعب آن بسرعت در سراسر آن منطقه مخصوصاً در مراکز و نواحی کارگرنشین نظیر شاهی - بهشر - چالوس - زیر آب - پل سفید و غیره

دایر گردید . این منطقه از ابتدای تأسیس حزب توده مورد توجه فراوان کمیته مرکزی بود و افرادی نظیر ایرج اسکندری و احسان طبری مسئولیت امور آنجا را برعهده داشتند ، ضیاء الموتی آقا فخر میر رضانی و یوسف لنگرانی و ابراهیم گلستان و اکبر شهابی و ابراهیم زاده نیز از جمله کادرهای اعزامی مرکز به آن منطقه بودند . در دوران مخفی ابتدا آقا میرسید اشرفی شاهی و مهندس فرج الله میرزائی مسئول بابل بود . بعداً کمیته ایالتی مازندران بشرح زیر تشکیل گردید :

منوچهر هوشمند راد مسئول ساری - مهندس عباس گرمان - مسئول شاهی
مهندس غلامعلی سیف مسئول بابل - محمد قاضی نیز مسئولیت شورای متحده مازندران را برعهده داشت .

ترکیب کمیته ایالتی مازندران بعدها تغییر یافت و بشکل زیر درآمد :

ابراهیم قاضی - مهندس غلامعلی سیف - قاسم ابری - قدیمی و محمود مدرسی .
در سال ۱۳۳۳ مسئولیت کمیته ایالتی مازندران با قاسم ابری و مسئولیت شورای متحده آنجا با رضا آهی بود .

۳ - خوزستان

فعالیت حزب توده در خوزستان خیلی دیر یعنی بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم آغاز شد و در ابتدا نیز بیشتر جنبه سندیکائی داشت . علی امید و مهدی هاشم نجفی از پایه گزاران حزب توده در خوزستان بودند که پس از اعتصاب ۱۳۲۵ از آنجا تبعید شدند . بعد از سقوط پیشه‌وری در آذربایجان تا مدت‌ها حزب توده در خوزستان فعالیت نداشت از سال ۱۳۲۷ عوامل توده‌ای مجدداً در خوزستان دست بکار شدند و اولین هسته‌های تشکیلات مخفی را بوجود آوردند . ابوالفضل فرهی که عضو مشاور کمیته مرکزی و کارمند فرهنگ خرمشهر بود اولین قدمها را در این راه برداشت و سپس در سال ۱۳۲۹ رحمت الله جزنی و منوچهر بهزادی به آبادان اعزام شدند .

در دوران حکومت مصدق تشکیلات حزب توده در خوزستان توسعه یافت و در شهرهای مختلف آن نظیر آبادان - اهواز - خرمشهر - مسجد سلیمان - آغاچاری بندر معشور هفتگل و غیره کمیته‌ها و شعب حزبی ایجاد شد در سال ۱۳۳۲ اکبر شهابی بجای رحمت‌الله جزینی مسئول حزب توده در خوزستان گردید و مهندس عباس گرمان جای منوچهر بهزادی را در تشکیلات آبادان اشغال کرد .

۴ - فارس

فعالیت حزب توده در فارس از سال ۱۳۲۲ آغاز گردید . در سال ۱۳۲۳ علی متقی از طرف تشکیلات کل حزب مزبور به شیراز اعزام شد و تا ختم غائله آذربایجان در آنجا بود . در این دوران فعالیت توده‌ایها در شیراز و بوشهر و چند شهرستان دیگر فارس قابل ملاحظه و رو بتوسعه بود . بعد از غیرقانونی شدن حزب توده هسته‌های کوچکی در آنجا باقی ماند که در زمان حکومت مصدق فعالیت و سازمان خود را بسط دادند در این دوره ابتدا منوچهر هوشمند راد و سپس شاهرخ مسکوب فعالیت‌های توده‌ای را در استان فارس رهبری میکردند .

۵ - اصفهان

شهر صنعتی اصفهان از ابتدای تأسیس حزب مورد توجه کمونیستها بوده و فعالیت توده‌ای در این شهر قبل از سایر نواحی جنوبی و مرکزی ایران از همان سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ بوسیله تقی فدارکار و علی شمیمه آغاز گردیده بود . بعداً محمود بقراطی و امان‌الله قریشی و مرتضی راوندی به آنجا اعزام شدند . بعد از ختم غائله آذربایجان در سال ۱۳۲۷ علی متقی و اکبر شاندرمینی بعنوان مسئولین حزب توده و شورای متحده باصفهان رفتند . در دوران مخفی مهندس حشمت‌اله منصف ، اکبر محجوبیان - مهندس سهرابیان - مهندس حسین نظری و جهانگیر افکاری و

سر کیس کاراپتیان برای اداره امورات حزب و سازمانهای وابسته آن باین شهر فرستاده شدند .

۶ - سایر شهرستانها

در خراسان فعالیت توده ایها از سال ۱۳۲۲ شمسی آغاز گردید . ابتدا عبدالحسین نوشین و حسین ملک بآنجا اعزام شدند و سپس مهندس مظاهری - ربانی باقر آملی امور حزب را اداره میکردند .

در کرمانشاه ابتدا د کتر فیض فعالیت مینمود بعد از او کارگری بنام توکلی مسئولیت آنجا را بعهده داشت . در سال ۱۳۲۲ منوچهر هوشمند راد از طرف تکش به کرمانشاه اعزام گردید در همین اوقات سر کیس کاراپتیان نیز مسئول شورای متحده آن شهر بود .

مسئولیت تشکیلات حزب توده قزوین در دوران مخفی با پرویز خلعت بری بوده است .

کمیته ایالتی حزب توده در اصفهان

در سال ۱۳۳۶ که آخرین اعضاء کمیته مرکزی حزب منحل شده در تهران دستگیر و حزب توده فاقد دستگاه رهبری در ایران گردید کمیته ایالتی اصفهان مخفیانه موجودیت خود را همچنان حفظ نمود و با اعضاء فراری کمیته مرکزی حزب توده مقیم آلمان و اطریش ارتباط مکاتباتی برقرار کرد .

از سال ۱۳۳۶ الی اوائل ۱۳۴۰ افراد کمیته مزبور عبارت بودند از :

- | | | |
|-------------------|---------------|---------------------------|
| ۱- علی صدرعاملی | آموزگار فرهنگ | دبیر کمیته |
| ۲- حاجعلی انصاری | معمار | مسئول کارخانجات |
| ۳- اسمعیل خیابانی | پیمانکار | مسئول کمیته ایالتی اصفهان |

۴- اکبر افشار خیاط مسئول بخش

دراوا ائل سال ۱۳۴۰ علی صدر عاملی باتفاق جلیل سنجابی بمنظور عزیمت بآلمان از اصفهان خارج ومسئولیت کمیته رابه حاجعلی انصاری محول می نمایند حاجعلی در غیاب وی فردی را بنام اکبر شریف بعضویت کمیته ایالتی اصفهان انتخاب ومسئولیت یک بخش حزبی درشهر کرد را با او محول می نماید . درسال ۱۳۴۰ انتخاب کمیته ایالتی اصفهان عبارت بودند از :

۱- حاجعلی انصاری دبیر کمیته ایالتی اصفهان

۲- اسمعیل خیابانی مسئول مالی

۳- اکبر شریف رابط بین کمیته ایالتی و مسئولین شاخه

افراد مسئولیت دار کمیته ایالتی اصفهان عبارت بودند از :

۱- اکبر شریف مسئول دو شاخه حزبی و شبکه

شهر کرد

۲- اکبر افشار مسئول کارگران زاینده رود

۳- محمود علی آبادی معمار مسئول دهقانان

۴- حسنعلی ربانی آموزگار مسئول معلمین ودانشجویان

شبکه نجف آباد

۵- اکبر دارائی اطو کش مسئول شهر کرد

۶- احمد شمس قهوهچی مسئول شاخه

۷- قربانعلی خرم کارمند شرکت نفت مسئول شاخه

۸- علی امامی جمعه کارمند شهرداری مسئول شاخه

۹- حسین توکلی زغال فروش مسئول شاخه

۱۰- رضا کرامیان نژاد ناوای کارخانه وطن مسئول یک شاخه و ماشین

نویس حزبی

۱۱- نادعلی خدادادی کارفرما اخراجی
کارخانه شهناز
مسئول شبکه لنجان و رابط
کارخانه شهناز

۱۲- رحیم تاکی نماینده کارگران شهناز
مسئول افراد حزبی شهناز-شهرضا
شهر کرد - نجف آباد و لنجان

عزت الله باقری و دکترما کوئی بعلت اختلافاتی که با کمیته داشتند در سال ۱۳۴۰ از کمیته کناره گیری کردند . این کمیته در تاریخ ۴۰/۷/۱۶ کشف و کلیه افراد آن دستگیر و پس از ارشاد و راهنمایی از زندان آزاد شده و بکار و زندگی خود برگشتند و با این ترتیب بفعالیت مضرة این گروه نیز خاتمه داده شد.

قسمت هفدهم

فعالیت محدود بقایای

حزب توده در سالهای ۱۳۳۱

تا فروردین ماه ۱۳۴۳

دوره تحول اجتماعی و اقتصادی ایران

فصل اول

بقایای شبکه های کوچک کمونیزم در ایران

دستگیری خسرو روزبه و علی متقی در سال ۱۳۳۶ شمسی و اعدام خسرو روزبه در سال ۱۳۳۷ آخرین امید های کمونیزم بین المللی را در ایران تبدیل به یأس کرد و کمونیستهای داخلی نیز بگوشه ای خزیده و این واقعیت تلخ را بسختی پذیرفتند که ایران جای اینگونه فعالیت های مضره نیست .

با دستگیری نامبردگان بالا دیگر بحیات سیاسی حزب توده خاتمه داده شد انتهایه بعضی شبکه های کوچک حرکتی از خود نشان میدادند ولی این حرکت آنقدر ناچیز بود که بطور کلی یا بحساب نمی آمد و یا محسوس نبود در هر حال مأمورین انتظامی بانهایت دقت مراقب اوضاع بوده و پی گیرانه بمبارزات خود علیه بقایای پراکنده حزب توده ادامه میدادند .

پاره های شبکه کوچک سابق بازهم کوچکتر شدند و حتی غالب آنها از میان رفتند از همان زمان معلوم بود که امکان دارد بازهم افراد فریب خورده ای باشند که دارای ایده نژلژی کمونیزم بوده و بخواهند کوششی در این راه مبذول دارند و یا ممکن است بعدها بوجود آیند و بخواهند از نو بفعالیت بپردازند لذا هشیاری و مراقبت مأموران امنیتی با متلاشی شدن حزب توده پایان نپذیرفت بلکه همچنان ادامه یافت از آن زمان تا امروز عده ناچیزی که هنوزهم حقایق تلخ و واقعیت قاطع بهوششان نیاورده درصدد اظهار وجود برآمده اند و بنامهایی مانند :

۱ - دسته کروژ کپا ۲ - گروه عنکبوت سرخ

- | | |
|---------------------------|-----------------------|
| ۴ - هیئت اجرائیه | ۳ - کمیته ایالتی |
| ۶ - کمیته مرکزی | ۵ - دسته مارکسیست ها |
| ۸ - کمیته وحدت | ۷ - گروه رزم آوران |
| ۱۰ - کمیته انقلاب | ۹ - دسته جمهوریخواهان |
| ۱۲ - گروه ارانی | ۱۱ - گروه اول ماه مه |
| ۱۴ - تشکیلات تهران | ۱۳ - گروه روزبه |
| ۱۶ - گروه وحدت جمهوریخواه | ۱۵ - گروه مهرگان |
| ۱۸ - پیکارگران توده‌ای | ۱۷ - گروه دانا |
| | ۱۹ - پیک آزادی |

شروع به فعالیت مختصر کرده اند .

اما تمام افراد و تصمیمات و طرح‌های این گروهها از نظر مأموران هشیار و مراقب سازمان اطلاعات و امنیت کشور پوشیده نیست و تا جایی که این گروههای مختلف‌الاسم و متفرق مانند کرم درخود بلولند و ضرری از آنها برای جامعه متصور نباشد تنها به مراقبت آنان اکتفا میشود ولی همینکه معلوم گردد که مراقبت به تنهایی کافی نیست و فعالیت این گروهها ممکن است تا حدی برای امنیت و آسایش جامعه مضر واقع شوند حسب الوظیفه دستگیر می گردند زیرا همانطور که اشاره شد خط مشی سیاسی مقامات انتظامی از طرف شخص اول مملکت بشرح زیر تعیین گردیده است .

« در ایران همه گونه آزادی است جز آزادی وطن فروشی و خیانت »

در خارج از کشور

اما آنچه در خارج از ایران می گذرد شایسته تعمق بیشتری است . در چند سال اخیر از طرف بعضی گروههای موجود در ایران وهم از طرف سران فراری حزب توده که در شوروی و ممالک اروپای شرقی هستند تلاشی بمنظور برقراری ارتباط

مقابل بعمل آمده اما همه این تلاشها و نتایجی که از آن حاصل گردید از نظر مقامات انتظامی پوشیده نبود و حتی از نظر کسب اطلاعات مقامات انتظامی بیش از آنها استفاده کردند .

سران فراری حزب توده راه دیگری برای اشاعه افکار کمونیستی در ایران یافته بودند و آن تبلیغ در میان دانشجویان ایرانی مقیم اروپا بوده و هست هزاران دانشجوی ایرانی در کشورهای اروپا سرگرم تحصیل هستند اغلب آنها جوانانی میهن پرست بوده دارای احساسات پاک میهن پرستی میباشند که نظرشان فقط کسب علم و خدمت بمیهن خود ایران است اما پیداشده اند و پیدا خواهند شد اقلیت ناچیزی که گول ظواهر امر را خورده و بدام کمونیزم بین المللی افتاده اند ولی مقامات انتظامی از این شیوه کار سران فراری حزب توده هم غافل نمانده و مراقب این چنین فعالیتهایی نیز میباشند و کار را طوری ترتیب داده اند که پیوسته از تعداد افراد فریب خورده و اسامی و نیت آنها با اطلاع باشند مسلم است که این عده قلیل برای آن تحت تبلیغ قرار میگیرند که پس از تظاهرات ضد میهنی در اروپا وقتی بایران برگشتند عامل سرسپرده کمونیزم در این کشور باشند .

از طرفی دانشجویانی که با چنین طرز فکری بایران برمیگردند مشاهده وضع کشور و تحولات شگرفی که در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی بوجود آمده و ثبات و آرامشی که در سراسر کشور حکمفرما میباشد چنان آنان را تحت تأثیر قرار میدهد که بلافاصله خود را بمقامات انتظامی معرفی و اطلاعات مفیدی از فعالیت های مضره گذشته خود در خارج از کشور و همچنین از گروه بندی های سران حزب توده در اختیار مأمورین انتظامی قرار میدهند و خود را با این ترتیب از دام وحشتناک کمونیزم نجات میدهند .

در سال ۱۳۳۸ بعلت اختلافی که بین سران فراری حزب توده در خارجه بوجود آمده بود دامنه این اختلافات بقدری وسیع شد که منجر باخراج دکتر فریدون کشاورز از حزب گردیده و نامبرده بکشور سوئیس پناه برد هنوز هم این

اختلافات ناشی از غرور و تکبر و بمنظور رسیدن بمقامات حزبی و غیره همچنان ادامه دارد و هیچگاه سران فراری نتوانستند لااقل در میان خود بطور موقت توافقی ایجاد کنند .

از سال ۳۸ تا آخر سال ۱۳۴۳ عده زیادی از فراریان نظامی بمأمورین رسمی دولت ایران در خارجه مراجعه و پس از اظهارندامت و پشیمانی تقاضای عفو و بخشودگی نمودند . اعلیحضرت همایونی با این عفو و بخشودگی موافقت فرمودند با این ترتیب عده‌ای که واجد شرایط لازم بودند پس از دادن اطلاعات خود بایران مراجعت وهم اکنون مشغول کارهای خود هستند .

در مورد تظاهرات و اقدامات مضره در اروپا باید گفت که کمونیست‌های فراری نتیجه‌ای را که میخواستند نتوانستند بدست بیاوردند و هیچوقت هم نخواهند آورد زیرا اقدامات اقلیت ناچیزی مبین اعتقادات يك ملت نیست . ملت ایران بشواهد تاریخی چنان ملتی است که با وجود تبلیغات تند رادیوهای بیگانه حتی بخود زحمت گوش دادن باین اراجیف رادیوئی را نمیدهد و کشور ایران در میان کشورهای منطقه خاور میانه و نزدیک از نظر وضع سیاسی و اجتماعی از با ثبات ترین کشورها است . ارزش بین‌المللی ایران روز بروز زیادتر میگردد بنحوی که در سال ۱۳۴۳ عده زیادی از سلاطین و روسای جمهوری و سران کشورها بایران مسافرت کردند و اقدامات اصلاحی کشور را ستودند حتی پرنسپال برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی نیز بایران مسافرت و کشور ما را از نزدیک مشاهده کردند .

در مورد استفاده از فریب خوردگان بمنظور اعزام آنها بایران برای فعالیت کمونیستی هیچگونه موفقیتی بدست نیاورد تجربه نشان داده است که اکثریت قریب باتفاق همان فریب خوردگان وقتی بایران بر میگردد بجهت مختلف یا از هر گونه فعالیت دوری میجویند و یا اطلاعات خود را در اختیار مقامات انتظامی می‌گذارند و این هر دو راه بضرر رهبران فراری تمام میشود باقی میماند

چند نفر بسیار معدودی که مترصد فرصت برای فعالیت هستند هم این عده و هم کسانی که غیر فعال باقی میمانند از نظر هوشیارانه مأمورین مراقب دور نیستند همان سیاست تنبه ومدارا درحق آنان نیز مرعی میشود یعنی بغیر از فعالان حتی اگر کسانی دراروپا بسیار تظاهر ضد میهنی کرده باشند کسی کاری بکار آنها ندارد وحتی کوشش میشود که مانند بقیه فارغ التحصیلان میهن پرست هرچه زودتر بکشور برگردند کاری پیدا کنند و مصدر اموری بشوند و درعمل خلاف گفته های مسببین سابق را مشاهده نمایند وبا افراد مفیدی تبدیل شوند وبشاه ومملکت خدمت کنند .

فصل دوم

انقلاب شاه و ملت

در سال ۱۳۴۱ تحولات شگرفی در زمینه امور اجتماعی کشور ما پدید آمد که تأثیر آن در شئون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و تأمین سعادت ملت مورد تصدیق جهانیان است. این تحول بزرگ زاده فکر توانای شاهنشاه عدالت گستر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی است که هر روز از تاریخ سلطنت پرافتخارشان صفحه تابناکی بر بر گهای تاریخ ایران عزیز افزوده است.

تحولات اخیر اجتماعی که سرمنشاء خیر و آسایش و سر آغاز امنیت و آرامش مردم وطن ما است و بنام انقلاب شاه و ملت نامگذاری گردید و یکی از برجسته ترین اقداماتی است که در تاریخ سلطنت پرشکوه شاهنشاه و رهبر عالیقدر و بدست توانای ایشان رخ داده است و تاریخ آنرا بدست فراموشی نخواهد سپرد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه روز چهارشنبه ۱۶ دیماه در کنگره بزرگ دهقانان حضور یافتند و طی یک جلسه پر شور و هیجان انگیز نطق تاریخی خود منشور ششگانه را بشرح زیر اعلام داشتند.

- ۱ - الغاء رژیم ارباب و رعیتی و تصویب قانون اصلاحات ارضی و ملحقیات آن.
- ۲ - ملی شدن جنگلها.
- ۳ - فروش سهام کارخانجات دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی.
- ۴ - سهام کردن کارگران در سود کارگاههای تولیدی و صنعتی.

۵ - ایجاد سپاه دانش .

۶ - اصلاح قانون انتخابات .

مواد این منشور مقدس تاریخی در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی بتصویت ملی گذارده ومورد تأیید اکثریت قریب باتفاق رأی دهندگان ملت ایران واقع شد و پس از توشیح ملوکانه بعنوان قانون مملکتی بمرحله اجرا درآمد .

خاطره روز ششم بهمن ۱۳۴۱ بعنوان روز تجدید حیات ملت در تاریخ ما جاویدان خواهد ماند . در چنین روزی قوانین کهنه و نامناسب کشورما جای خود را بقوانین جدید ومترقی داد که در آن همه افراد ملت از زن و مرد کشاورز ودهقان وکارگر دارای حقوق ومزایائی شدند که تا آن تاریخ از آنها محروم بودند .

ماده ۲ - دهقان و کشاورز بجای مالک .

لوايح ششگانه انقلاب شاه ومردم بزرگترین عامل مبارزه با کمونیزم و عالی ترین طرق نابودی ایده فوئتری کمونیزم در ایران میباشد . مراقبت . کسب اطلاع از کانونهای خرابکار . خشتی کردن عملیات خرابکاران همیشه یکطرف قضیه بوده وهست وطرف دیگر که مهمتر نیز میباشد عبارتست از آنچه ان اصلاحات عمیق در کلیه شؤون اجتماعی کشوراست تا علت اساسی پدیده های فاسد وناباب واز جمله علت پیدایش تئوری کمونیزم را از میان بردارد .

تحول بزرگی که در بالارفتن اجتماع واقتصاد ملت ایران اثری بسزائی دارد تصویب واجرای قانون اصلاحات ارضی است که سرلوحه لوايح شش گانه میباشد . این قانون نو که متناسب با ترقیات وارزش معنوی ملت ایران است نیز از ابتکارات شاهنشاه عظیم الشان ما بشمار میآید . در قوانین گذشته روابط مالک ودهقان بر اساس عادلانه ودرستی استوار نبود وبهره برداری از زمین باروشهای قرون وسطائی انجام میگرفت ودرآمد آن بسیار ناچیز بود . ازیکسومالکین بواسطه داشتن املاک پهناور بآباد گردانیدن زمینهای زراعتی قادر نبودند و ازسوی دیگر کشاورزان که رعیت نام داشتند نمیتوانستند بکارخود دلبستگی داشته باشند باین علت روستائیان

دسته دسته و گروه گروه بسوی شهرها رومیآوردند و قراء و قصبات خالی از سکنه میگردد نتیجه این مهاجرت دسته جمعی آن بود که سطح کشت روز بروز نقصان مییافت و اقتصاد روستائی کشور ما را خطر عظیم و سهمناک نابودی تهدید میکرد . با توجه بر ریشه های عمیق فئودالیزم در کشور ما و نفوذ شوم این طبقه در اجتماع پی خواهیم برد که مبارزه با این طبقه تا چه حد مشکل و از بین بردن آنها چه کار شاقی است این خود بزرگترین تحولی است که تا کنون در کشور ما سابقه نداشته است . با تصویب ملی لایحه قانونی اصلاحات ارضی رعیت سابق صاحب زمین و آب زراعتی خود گردید . اصطلاح رعیت بفرمان شاهنشاه برای همیشه از سرزبانها افتاد و نام دهقان و کشاورز جای آنرا گرفت .

ماده ۴ - کارگران شریک در منافع کارگاهها .

یک جزء از منشور شاه و ملت سپیم گردانیدن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی است .

بموجب ماده چهارلویایح ششگانه بکارگران سراسر کشور که طبقه زحمتکش و روشندل و واقع بین وطن ما هستند حقوق و مزایای بیشتری واگذار شد . تا پیش از تصویب ملی منشور شاه و ملت کارگر با دریافت مزد مختصری کار میکرد و چون بآینده خود امیدوار نبود بطرز کار و بهبود محصول کارگاه علاقه کمتری نشان میداد و در نتیجه محصولات صنعتی کشور ما بوضعی نا مرغوب بازارها عرضه میشد اما با اعطای مزایای مذکور بکارگران و سپیم کردن آنان در منافع کارگاههای تولیدی صنعتی کارگران با کارفرما شریک شدند و بدون تردید در راه بهبود محصول کارگاه و بالا بردن سطح تولیدی کوشش فراوان بکار خواهند بست .

ماده ۵ - سپاه دانش .

بموجب قانون اساسی معارف و قانون تعلیمات اجباری و دیگر قوانین موضوعه تعلیمات ابتدائی در کشور ما اجباری است ولی با آنکه از تاریخ تصویب قانون تعلیمات اجباری بیست سال میگذرد و وزارت فرهنگ در راه انجام این وظیفه کوشش

فراوان بکار برده در این راه پیروزی کامل نیافته است . با ایجاد سپاه دانش که جزء پنجم لوایح ششگانه میباشد این آرزوی تابناک عملی خواهد شد و در آینده نزدیکی ریشه بیسوادی از کشور ما رخت خواهد بست .

از این پس جوانان دیپلمه کشور ما که همه ساله بخدمت سر بازی فراخوانده میشوند پس از فرا گرفتن مقدمات فنون سر بازی بر روستاها و شهرهای کشور بخصوص مناطق مرزی و دور افتاده رو آورده و باقی مدت سر بازی را با امر تعلیم و تربیت فرزندان کشور صرف مینمایند .

اکنون همه مردم وطن ما از زنان و مردان کارگران و دهقانان و کشاورزان و پیشه وران و بازرگانان و روشنفکران و روحانیان اهمیت این تحول تاریخی کشور خود را باز شناخته و بارزش منشور شاه و ملت پی برده و مقام شامخ آنرا در عظمت کشور و رفاه اجتماع ایران دریافته اند و همگان در صف واحدی در راه نیر و مندی و آبادی و سر بلندی کشور و نیکبختی میکوشند و اطمینان حاصل است که در اندک مدتی نتایج درخشان این تحول پدیدار خواهد شد .

ماده ۶ - حقوق بانوان .

بموجب قانون انتخابات سابق مجلس شورای ملی که سالها پیش تصویب شده بود بانوان ایران حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن نماینده نداشتند . این طبقه که نیمی از مردم وطن ما هستند و بنیان و احترام خانواده بوجود آنان بستگی دارد در زمره محرومان از حقوق اجتماعی بحساب میآمدند و به همین سبب نمیتوانستند در سر نوشت کشور و ترقی اجتماع خود اثری داشته باشند اکنون با تصویب منشور شاه و ملت بانوانی که کمتر از بیست سال ندارند حق انتخاب نماینده را دارا شدند همچنین بانوان باسوادی که کمتر از سی سال و بیش از هفتاد سال نداشته باشند میتوانند بنمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شوند و در دوره بیست و یکم قانون گراری تنی چند از بانوان کشور ما بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردیدند . اکنون بانوان وطن ما در تمام شئون اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و

اقتصادی دوشادوش مردان گام بر میدارند و خود را در خیر و صلاح و سعادت ملت شریک میدانند .

تأثیر جهانی انقلاب شاه و مردم

و اما جنبه های بین المللی این انقلاب عبارتست از بالا بردن حیثیت جهانی ایران و در عین دوستی و همزیستی با غرب دوستی متقابل با هر کشور دیگری که خواهان مرآوده و رابطه دوستانه با ایران باشد .

البته این انقلاب برای آن نبوده است که صرفاً جلو گیر کمونیزم باشد بلکه هدفش خیلی عالی تر از اینست نهایت در عمل چنین وظیفه ای را نیز انجام میدهد جهت پاسخ باین سؤال که چرا انقلاب حاضر بزرگترین سد راه نفوذ کمونیزم در ایران است توضیحات زیر لازم میباشد باید توجه داشت که کمونیست ها بمنظور رسیدن بحکومت در کشوری مانند ایران راه دور و دراز ذیل را در نظر دارند .

۱ - کارگران را اگر ناراضی باشند در اتحادیه های صنفی زیر نظر خود متشکل نمایند و آنها را ابتدا بمبارزات اقتصادی و سپس سیاسی و حتی قیام مسلحانه بکشانند .

۲ - برای آنکه این مبارزات و مخصوصاً آن قیام ثمر بخش باشد دهقانان را که اکثریت را تشکیل میدهند متحد با کارگران نمایند (معتقدند که پیروزی کارگران بدون اتحاد و همکاری دهقانان امکان پذیر نیست) .

۳ - باز برای اینکه این پیروزی کاملاً مسجل گردد معتقدند که در کشوری نظیر ایران باید در یک دوره کوتاه یعنی فقط تا روز بدست آوردن حکومت با بورژوازی ملی متحد باشد تا بعد با انقلاب پرولتاری این طبقه را نیز مضمحل نمایند .

حال اگر کارگران ناراضی نبوده بلکه در مورد کارخانه سهمیم و شریک باشند

نه فقط دنبال راه مخمسه کمونیستها نخواهند رفت زیرا کمونیست ها میخواهند بعنوان تقسیم اراضی بین دهقانان زمینهای دهقان را گرفته و بنام اینکه در مزارع اشتراکی کار کنند مانند فئودال ها از آنها بهره کشی نمایند و طبعاً اگر متحد کارگران بشوند برای حفظ وضع تازه خودشان است نه برای واژگون کردن رژیمی که بآنها زمین داده است .

حساب باصطلاح بورژوازی ملی هم با حزب توده روشن است زیرا زمانی که از صنایع داخلی در برابر رقابت امتعه خارجی حمایت میشود بورژوازی داخلی طرفدار کسانی نخواهد شد که منافع خارجی را حمایت میکنند و تازه دشمن آزادی تجارت و کسب نیز میباشد .

باین ترتیب دیگر اسلحه کمونیست ها که در سابق يك برندگی نسبی داشت اینك خاصیت برندگی خود را از دست داده است .

شعارهای فریبنده آنان که دهقانان علیه فئودالیزم و ارتجاع متحد شوید بطبل میان تپتی بیشتر شباهت دارد زیرا شاه و مردم خود فئودالیسم را سرنگون ساخته اند و کمونیستها هستند که با ارتجاع و کسانی که مخالف اصلاحات ارضی و تساوی حقوق زن و مرد هستند همصدا گردیده اند

سایر شعارهای سابق آنها نیز بهمین ترتیب از اعتبار افتاده است در حالی که شعار « علیه استعمار کشور ایران متحد شوید » از اول هم اعتباری نداشت زیرا خود آنها عامل شناخته شده یکنوع ازهمین استعمار بودند

هر قدر انقلاب امروز ایران بهتر و بیشتر مظاهر قرون وسطائی را از کشور ما بزدايد و هر قدر بیشتر راه شوسه راه آهن کارخانه سد و غیره در ایران ساخته شود و هر قدر سطح تولیدات کشاورزی و صنعتی ایران و سطح فرهنگ و بهداشت مردم بالا رود راه کمونیسم بیشتر سد خواهد گردید .

زیانهای حاصله از فعالیتهای کمونیستی در ایران

در پایان این بحث بی مورد نیست که زیانهای حاصله از فعالیت های کمونیستی در ایران مورد بررسی قرار گیرد تا دانسته شود که حزب منحله توده چه زیانهایی برای کشور ما داشته است .

الف - ایجاد آشوب و برپا ساختن اعتصابات مضر اقتصادی بکشتن دادن مردم و سلب امنیت و اخلال نظم در شهرها و دهات و ایجاد اختلافات در داخل خانواده ها و کشانیدن جوانان بخیا بانها و اختلال امور تحصیلی از اقدامات آن حزب بوده است .

ب - مدتها بهمین مناسبت کار دولت ها فلج میشد اقدامات اصلاحی صورت نمیگرفت و برعکس اصلاحات گذشته پایمال میشد ایران در دنیائی که با گامهای بلند به جلو میرفت بعلت کارشکنی های حزب توده درجا میزد .

ج - کار استقلال ایران زمانی بعلت اوج اغتشاشات بموئی بند میشد و اگر روح باستانی ایرانی گری و ملیت نبود و این روح از جانب زمام داران عاقل و شایسته هدایت نمیشد کار ایران یکسره شده بود

د - با سر کار بودن دولت حزبی و اتکاء آن با کثرت حزبی پارلمان و توجه مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه بحکومت حزبی اصلاحات اساسی و تأمین رفاه و آسایش عمومی امکان پذیر بود ولی حزب توده مانع کلیه این اقدامات اساسی گردید

ه - از زیانهای کم روشکن مالی سخنی نباید گفت پولی که باید صرف ساختمان مدارس شود حزب توده از بانکها می دزدید و وجهی که باید صرف پمشرفت صنایع و کشاورزی بشود بمصرف لشگر کشی برضد قیام کنندگان کمونیست میرسید .

خود رهبران کمونیست هم جز ضرر بی آبروئی - در بدری - زندان - بدبختی و بیکاری و سرگردانی نتیجهای نبردند پس چه کسی در این میان مستفیض شد ؟

خارجی !! آنهم زمانی که احتیاج با استفاده از آنها داشت والا هر وقت عاملین داخلی قابل استفاده نبودند طریق دیگری برای پیشرفت نظریات خویش بکار می بست گوا اینکه در مورد ایران از تمامی طرق بعقب رانده شد ولی اینموضوع ماهیت امر را در مورد حزب توده تغییر نمیدهد.

اگر مطالعه این تاریخ و مجموعه این کتاب لااقل همین نتیجه را در مغز خواننده تقویت کند خود خدمتی بزرگ باین ملت محسوب میشود.

نتیجه

با اتخاذ تدابیر و اقدامات مأموران انتظامی شبکه های کوچک کمونیستی در ایران نیز در صورت ابراز وجود و اقدام بفعالیت تمام افراد و تصمیمات و طرحهای آنها تحت تعقیب قرار میگیرند و تاروهار میشوند بطوریکه امکان هر گونه فعالیت از آنها سلب گردید در خارج نیز بین سران فراری حزب توده اختلافات عمیقی پیدا شده بطوریکه همه آنها غرق در کشمکشهای داخلی میباشند.

همزمان با این اوضاع و احوال انقلاب شاه و مردم بطور کلی راه نفوذ کمونیسم را در ایران مسدود کرد و با طرح لوایح ششگانه حزب توده از نظر ایده نولتری نیز خلع سلاح گردید. این طرح نه تنها مورد تأیید اکثریت ملت ایران قرار گرفته و ملت ایران در فرآیند تاریخی ۶ بهمن ۱۳۴۱ بارأی قاطع خود بر آن صحه گذاردند بلکه مورد تأیید جهانیان نیز قرار گرفت.

همه این پیشرفت ها که هم اکنون قدمهای اولیه آن برداشته شده است و نتایج بسیار درخشانی خواهد داشت تحت رهبری خردمندانانه شخص شخیص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده و معظم له در تمام مراحل پرچمدار این نهضت بزرگ و تحول عظیم بوده اند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه و همه افکار عمومی ملت ایران طرفدار این فکر

هستند که اصلاحات اجتماعی بمنظور بهبود وضع زندگی مردم و تأمین رفاه و آسایش عمومی باید سریعتر انجام شود تا کلیه طبقات مردم در رفاه و آسایش بسر برده و از امنیت اجتماعی و سیاسی برخوردار شوند .
امنیت بزرگترین سد نفوذ کمونیزم در ایران است .

پایان

۱۳۴۴ شمسی